

## بررسی اصطلاحات عامیانه خودرو از دیدگاه روش‌شناسی و فرهنگ‌نگاری

سید مهدی سمائی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

فرهنگ اصطلاحات عامیانه خودرو، شهرداد میرزایی و رجبعلی مختاریپور، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۲، دوازده + ۱۸۴ صفحه.

یکی از فواید بررسی گونه‌های غیررسمی زبان استفاده از شیوه‌های واژه‌سازی آنهاست. در این گونه‌ها، از طبیعی‌ترین شیوه‌های واژه‌سازی که منطبق با ذوق و سلیقه مردم است استفاده می‌شود. این نوع واژه‌سازی ناآگاهانه است؛ یعنی اطلاعات واژه‌سازان از ساختمان واژه‌ها و اجزای آن شمی است. با بررسی این شیوه‌ها می‌توان گرایشهای طبیعی زبان در ساختن واژه‌های جدید را مشخص کرد.

زبان اصناف یکی از گونه‌های اجتماعی زبان است که در آن واژه‌سازی ناآگاهانه انجام می‌شود. فرهنگ اصطلاحات عامیانه خودرو مربوط به الفاظ و اصطلاحاتی است که عمدتاً اصنافی نظیر مکانیسیتهای خودرو آنها را به کار می‌برند.

از جمله مشکلات بررسی گونه‌های اجتماعی زبان تشخیص دقیق گونه آنهاست، اینکه چگونه می‌توان لغت و اصطلاحی را با اطمینان به فلان گونه اجتماعی مربوط دانست یا ندانست. مشکل تشخیص زبان اصناف تا حدی آسان است؛ زیرا می‌توان نزد اهل هر صنف رفت و درباره اصطلاحات متداول در آن صنف تحقیق کرد. هرچند احتمال خلط کلمات غیرصنفي نیز وجود دارد.

در «روش پژوهش» فرهنگ (صفحه هفت تا دوازده) نوشته شده که واژه‌ها به دو صورت شناسایی شده‌اند: مطالعه اسنادی و مطالعه میدانی. واژه‌ها، در اصل، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند؛ یعنی با مراجعه به ۱۴۲ کتابی که در «کتابشناسی» و ۳۱ کتابی که در «فهرست منابع» آمده (ص ۱۴۷-۱۴۸) و سپس برای تکمیل آنها و تکمیل تعاریف با «چند تعمیرکار مجرب» تماس گرفته شده و از نظر آنان استفاده شده است.

در فهرست کتابهایی که برای نوشتن فرهنگ به آنها مراجعه شده، فقط دو کتاب هست که مربوط به زبان عامیانه است. یکی کتاب کوچۀ شاملو و دیگری فرهنگ فارسی عامیانه ابوالحسن نجفی. حالا این سؤال پیش می‌آید که نویسندگان چگونه به عامیانه بودن اصطلاحات پی برده‌اند. شکی نیست که بیشتر لغات کتاب عامیانه‌اند و آثار شیوۀ واژه‌سازی مردم کوچه و بازار در آن پیداست. نگفته پیداست که سگدست و انبرکلاغی و شغال‌دست و فشنگی و شانه‌ای و شش‌پر و چپقی را عالمان نساخته‌اند؛ اما بهتر بود که نویسندگان در مقدمه توضیح مختصری می‌دادند که چگونه پی به عامیانه بودن کلمات برده‌اند. نگفته نماند که لغات غیرعامیانه نیز در فرهنگ هست. به خصوص، الفاظ قرضی را، هرچند که محرّف و معروض فرایندهای آوایی عامیانه شده باشند، نمی‌توان عامیانه دانست. شمار واژه‌های قرضی فرهنگ ۱۷۵ است.

این فرهنگ ۲۶۵۶ مدخل دارد که ۵۹۹ مدخل آن ارجاعی است؛ یعنی برای آنها تعریف داده نشده و برای تعریف به مدخلهای دیگر ارجاع داده شده‌اند. بنابراین، شمار مدخلهای تعریف‌دار ۲۰۵۷ است.

اغلب مدخلها مربوط به اصنافی است که به نوعی با خودرو سروکار دارند. در کلّ فرهنگ، حدود ۲۰ مدخل (کمتر از یک درصد مجموع اصطلاحات) غیرصنفي است. لغاتی نظیر آیین‌نامه، افسر، امتحان شهر، امتحان تپه، ایستگاه، دور زدن، راندن، پشت فرمان نشستن، بنزین زدن. باقی اصطلاحات مربوط به نقاشها و آپاراتیها و اتاق‌سازها و تزییناتیها و تعویض روغنیها و صافکارها و باتری‌سازها و آگزوزسازها و آژانسهاست. آمار اصطلاحات هر صنف و درصد تقریبی آنها در جدول صفحه بعد نشان داده شده است. از ۲۰۵۷ مدخل فرهنگ ۸۴۵ فقره (۴۲ درصد کلّ مدخلها) مربوط به نام ابزارهاست - اصطلاحاتی نظیر آمپر، انگشتی، بوبین، پروانه، تفنگی، جک، چدنی، حلزون‌فرمان، خرمایی،

دوپهنی، دیاق، غربالک، فشفسه، قامه، کپه، گلدانی، لیسه، ماهک، نعلبکی، ورشو، هزارخاری، یوغ.

نام صنف	تعداد اصطلاح	درصد اصطلاحات
نقاش	۴۲	٪۲
مکانیک	۱۶۱۱	٪۸۰
آپاراتی	۷۹	٪۴
تزییناتی	۱۸	٪۱
تعویض روغنی	۲۷	٪۱٫۵
صافکار	۵۸	٪۳
باتری‌ساز	۱۵۲	٪۷٫۵
اگزوساز اتاق‌ساز آژانسی	مجموعاً ۵۰	٪۲٫۵

چنان که مؤلفان متذکر شده‌اند (صفحه هفت)، اصطلاحات مربوط به خودرو بسیار بیشتر از آن است که در فرهنگ آمده است؛ بنابراین، جا دارد که به مرور تکمیل شود.

بهتر است در چاپهای بعد، جدول علایم و نشانه‌ها افزوده شود و کاربرد علایمی نظیر پیکان و قلاب و مربع در آن مشخص گردد. در صورت کنونی، داخل قلاب گاهی اطلاعات مربوط به ارجاعات آمده (مدخل آتش‌زنه) و گاهی اطلاعات ریشه‌شناختی (مدخل شلنگ) و زمانی اطلاعات دیگر (مدخل پارک کردن، آب‌بندی کردن).

جلو بعضی از فعلهای مرکب که، به نظر نویسندگان فرهنگ، هم‌کرد آنها به دو صورت به کار می‌رود قلابی آمده است؛ مثل آب‌بندی کردن [شدن]، پارک کردن [شدن]، تصادف کردن [شدن]. در این باره، لازم است خاطر نشان شود که آب‌بندی کردن و پارک کردن متعدی‌اند و به قیاس با فعلهای مشابه به صورت ماشینه آب‌بندی شده و ماشینه خوب پارک شده به کار می‌روند. در حالی که تصادف کردن و تصادف شدن چنین رابطه‌ای ندارند. بهتر بود در این‌گونه موارد از مدخلهای مستقل استفاده می‌شد.

با ذکر مثال می‌توان مقولۀ دستوری کلمات را شناخت و به شیوۀ کاربرد آنها در بافت و معنی دقیقشان پی برد. آوردن مثال، به خصوص برای عبارتهای فعلی نظیر تف به دنده آمده [رفتن] لازم است. مؤلفان، در این مورد، یکدست عمل نکرده‌اند و فقط برای بعضی از مدخلها مثال آورده‌اند.

معمولاً صورت انتزاعی افعال را در مدخل می‌آورند تا خواننده خود، با قواعدی که در ذهن دارد، آنها را به صورت انضمامی درآورد. به همین دلیل است که مصدر مدخل می‌شود نه صیغه‌های فعلی. از این رو، بهتر می‌بود مدخل تقه نخوردن به صورت تقه خوردن می‌آمد و سپس، همان‌گونه که در تعریف آمده، توضیح داده می‌شد که این فعل فقط به شکل منفی به کار می‌رود و مثالی هم برایش ذکر می‌شد.

بعضی از عبارات فعلی نظیر به خوردش رفتن و به ته زدن و با همدیگر آب‌بندی شدن مدخل شده‌اند. این‌گونه اصطلاحات، که به خصوص با حرف اضافه شروع می‌شوند، معمولاً مدخل نمی‌شوند. در این‌گونه موارد، بهتر است یکی از کلمات اصلی عبارت فعلی مدخل اصلی شود و خود عبارت در مدخل فرعی بیاید. آوردن حرف اضافه در مدخل باعث اختلال در جستجوی اطلاعاتی می‌شود که خواننده در ذهن دارد.

صورت لاتینی اصطلاحات قرضی و معنی آنها در زبان اصلی در جلو مدخلها آمده است. اما مواردی هست که این اطلاعات قید نشده است؛ بکسباد و بکسل‌بند - بکسل کردن مدخل نشده است - از آن جمله‌اند. مواردی هم هست که ایرادهایی دارد. مؤلفان باک را واژه فرانسۀ یعنی bac دانسته‌اند؛ در حالی که مخزن بنزین خودرو را در زبان فرانسه *réservoir* می‌گویند. مدخلهای سیلندر و شارژ و دیفرانسیل مأخوذ از انگلیسی معرفی شده‌اند، در حالی که تلفظ آنها فرانسوی است و به یقین از زبان فرانسه وارد فارسی شده‌اند. رزین و زیگزاگ و کیلومتر هم احتمالاً از زبان فرانسه گرفته شده‌اند. گاراج هم مأخوذ از زبان انگلیسی فرض شده که احتمالاً از *garage* فرانسه گرفته شده و تلفظ گاراج محرف آن (گاراژ) است. جا داشت که مؤلفان در مقدمه توضیح می‌دادند که چگونه پی به اصل اصطلاحات قرضی برده‌اند. در مدخل اتومات آمده که این کلمه کوتاه‌شده اتوماتیک است. اتومات واژه فرانسۀ و اسم است. در حالی که اتوماتیک صفت است و معنایی دیگر دارد. این دو واژه به دو معنی در فارسی به کار می‌روند و صورت تغییریافته یکدیگر نیستند.

در چند مورد نیز املاي کلمات لاتینی نادرست است. دولوکس و موتور و فیبر و انژکسیون به صورت de luxe و moteur و fibre و injection نوشته می‌شوند. مؤلفان قصد داشته‌اند کلمات قرضی را با تلفظ عامیانه و محرف آن ضبط کنند. همچنان که آرمیچر را المیچر نوشته‌اند. از طرفی بین دیفرانسیل و دیفرنسیل و دفرنسیال و دفرینسیال ظاهراً دفرنسیال در تداول عامه رایج‌تر است؛ امّا، به جای آن، دیفرانسیل، که گونه رسمی است، مدخل قرار گرفته است.

□

